

نگارش خلاق

(از مجموعه کتاب‌های چگونه بنویسیم؟)

دکتر ویدا رحیمی‌نژاد

عضو هیات علمی پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش،
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی



نگارش خلاق

(از مجموعه کتاب‌های چگونه بنویسم؟)

دکتر ویدا رحیمی نژاد

عضو هیات علمی پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش،

سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی



انتشارات آوای نور

تهران - ۱۳۹۸

بسم الله الرحمن الرحيم

سرشناسه	:	رحیمی نژاد، ویدا، ۱۳۴۱ -
عنوان و نام پدیدآور	:	نگارش خلاق / ویدا رحیمی نژاد.
مشخصات نشر	:	تهران : آوای نور، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	:	۱۸۴ ص
فروست	:	... مجموعه کتاب‌های چگونه بنویسم؟
شابک	:	978-600-309-403-1
وضعیت فهرست نویسی	:	فیبیا
یادداشت	:	کتابنامه ص ۱۸۱ - ۱۸۲.
موضوع	:	نویسندگی خلاق Creative writing
موضوع	:	نویسندگی Authorship
موضوع	:	داستان نویسی Fiction -- Authorship
موضوع	:	نویسندگی -- فن
موضوع	:	Authorship-- Technique
رده بندی کنگره	:	۱۳۹۷۱۴۵PN ن ۳/۳
رده بندی دیویی	:	۰۲/۸۰۰۸
شماره کتابشناسی ملی	:	۵۲۸۵۰۴۵



تهران، میدان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان شهید وحید نظری،

پلاک ۹۹، طبقه دوم تلفن: ۶ و ۶۶۹۶۷۳۵۵ / نمابر: ۶۶۴۸۰۸۸۲

نگارش خلاق (از مجموعه کتاب‌های چگونه بنویسم؟)

مؤلف: دکتر ویدا رحیمی نژاد

ناشر: انتشارات آوای نور

صفحه‌آرا: منیر السادات حسینی

چاپ: دوم ۱۳۹۸

شمارگان: ۲۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۰۹-۴۰۳-۱

قیمت ۲۵۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

به من نگویید که ماه می در فشر؛ بلکه درفشش نور ماه بر روی شیشه های
شکسته را با کلمات به من نشان دهید.

آنتون پفوف

تقدیم به عزیزانم

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۱۳
۱. مقدمه‌ای بر نگارش خلاق: تعریف و انواع آن.....	۱۷
۱.۱. داستان بلند.....	۱۸
۱.۱.۱. شخصیت.....	۱۹
۱.۱.۲. طرح یا پیرنگ.....	۲۰
۱.۱.۳. زاویه دید.....	۲۱
۱.۴. صحنه و صحنه‌پردازی.....	۲۲
۱.۵. درون‌مایه.....	۲۲
۱.۶. لحن.....	۲۳
۲. داستان کوتاه.....	۲۴
۳. داستانک.....	۲۵
۱.۳.۱. قدرت بخشش.....	۲۶
۲.۳.۱. سنجش عملکرد.....	۲۷
۳.۳.۱. خاطرات من.....	۲۸
۲. گام‌های نگارش خلاق.....	۳۳
۱.۲. گام اول: پیدا کردن ایده.....	۳۵
۱.۱.۲. مرحله اول: تهیه فهرست.....	۳۶
۲.۱.۲. مرحله دوم: تهیه یک نمودار خوشه‌ای.....	۳۹
۳.۱.۲. مرحله سوم: پژوهش.....	۳۹
۴.۱.۲. مرحله چهارم: آزادانه نوشتن.....	۴۰
۵.۱.۲. پیدا کردن ایده خوب.....	۴۰

- ۶،۱،۲. انسداد ذهنی نویسنده ۴۱
- ۷،۱،۲. دستیابی به ایده برای نگارش تخیلی ۴۲
- ۸،۱،۲. درست کردن یک فهرست ۴۳
- ۹،۱،۲. درست کردن یک نمودار خوشه‌ای ۴۳
- ۱۰،۱،۲. پژوهش کردن ۴۴
- ۱۱،۱،۲. نوشتن آزادانه ۴۵
- ۱۲،۱،۲. یافتن ایده برای یک نوشته تخیلی ۴۶
- ۱۳،۱،۲. درست کردن یک نمودار خوشه‌ای ۴۷
- ۱۴،۱،۲. انجام پژوهش ۴۹
- ۲،۱۵،۱. نوشتن آزادانه ۵۰
- ۱۶،۱،۲. نکته مهم در هنگام شروع نگارش ۵۲
- ۱۷،۱،۲. مراحل درست کردن فهرست ایده‌ها ۵۲
- ۲،۲. گام دوم: انتخاب ایده ۵۴
- ۱،۲،۲. ایده‌ها را برای نگارش خلاق انتخاب کنید. ۵۵
- ۲،۲،۲. از نمودار خوشه‌ای انتخاب کنید ۵۸
- ۳،۲،۲. ایده‌های حاصل از پژوهش را انتخاب کنید. ۵۹
- ۴،۲،۲. ایده‌های حاصل از نگارش آزادانه مورد آزمون قرار گرفتند: ۶۰
- ۵،۲،۲. مروری بر چگونگی انتخاب ایده برای نگارش خلاق ۶۱
- ۳،۲. گام سوم: طرح کلی ۶۴
- ۱،۳،۲. تهیه طرح کلی نگارش ۶۴
- ۲،۳،۲. تم‌ها ۶۵
- ۳،۳،۲. استفاده از کارت‌های راهنما ۶۵
- ۵،۳،۲. ایجاد یک طرح کلی برای نگارش خلاقانه ۶۸
- ۶،۳،۲. افزودن مواردی به طرح کلی ۷۹
- ۳،۲،۷. انجام بدهید: برای نگارش خلاقانه یک طرح کلی بسازید. ۸۲

- ۴,۲. گام چهارم: نگارش پیش‌نویس اولیه ۸۶
- ۱,۴,۲. تنها یک پیش‌نویس اولیه ۸۶
- ۲,۴,۲. بهترین جمله شروع ۸۷
- ۳,۴,۲. سبک نگارش ۸۸
- ۴,۴,۲. سبک غیررسمی ۸۸
- ۵,۴,۲. سبک رسمی ۸۹
- ۶,۴,۲. انتخاب کلمات ۹۰
- ۷,۴,۲. صدا ۹۰
- ۸,۴,۲. ساختار جمله یا نحو ۹۳
- ۹,۴,۲. چگونه بهترین سبک نگارش را انتخاب می‌کنید. ۹۳
- ۱۰,۴,۲. اولین پیش‌نویس برای نگارش خلاق ۹۵
- ۱۱,۴,۲. نشان دهید، اما نگوئید ۹۶
- ۱۲,۴,۲. درباره‌ی آنچه می‌دانید، بنویسید. ۱۰۴
- ۱۳,۴,۲. چگونه مطلب خود را به پایان برسانیم ۱۰۶
- ۱۴,۴,۲. پیش‌نویس اولیه برای نگارش خلاق ۱۰۶
- ۵,۲. گام پنجم: بازنگری ۱۱۶
- ۲,۵,۲. یافتن اشکالات ۱۱۷
- ۳,۵,۲. رفع اشکالات ۱۱۸
- ۴,۵,۲. بهترین «جمله‌ی شروع» ۱۱۹
- ۵,۵,۲. بهترین جمله‌ی پایانی ۱۲۴
- ۶,۵,۲. بازنگری نگارش خلاقانه ۱۲۸
- ۵,۲. اولین پیش‌نویس ۱۳۱
- ۸,۵,۲. دومین پیش‌نویس ۱۳۵
- ۶,۲. ویرایش چیست؟ ۱۴۲
- ۱,۶,۲. ویرایش سبک ۱۴۳

۲,۶,۲. ویرایش نکات دستوری..... ۱۴۴

۳. داستانک ها ۱۴۹

۱,۳. نمونه شماره ۱: مثل من ۱۵۰

۳,۲. پیش نویس دوم: مثل من ۱۵۳

۳,۳. نمونه شماره ۲: تغذیه ۱۵۵

۴,۳. پیش نویس دوم: تغذیه ۱۶۰

۵,۳. نمونه شماره ۳: آزمایش ۱۶۳

۶,۳. پیش نویس دوم: آزمایش ۱۶۵

۷,۳. نمونه شماره ۴: گرم شدن آب ۱۶۸

۸,۳. پیش نویس دوم: گرم شدن آب ۱۷۰

۹,۳. نمونه شماره ۵: دور را نگاه کن ۱۷۳

۱۰,۳. نمونه شماره ۶: خانمو من ۱۷۵

۴. کتابنامه ۱۸۱

پیشگفتار

نگارش انواع مختلفی دارد و به صورت کلی به دو بخش نگارش تخیلی و غیر تخیلی تقسیم می‌شود. در کتاب حاضر ابتدا به نگارش تخیلی و غیر تخیلی پرداخته شده، سپس ویژگی‌ها و انواع هر کدام ارائه شده است. در مرحله بعد عناصر داستان‌های تخیلی که شامل داستان بلند، کوتاه و داستانک است شرح داده شده است. این نکته قابل توجه است که نگارش با هر شیوه‌ای که باشد نیاز به آموزش دارد. نمی‌توان از افراد انتظار داشت که بنویسند، بدون آن که آموزشی دیده باشند. در فصل دوم این کتاب گام‌های مختلف نگارش آموزش داده شده است.^۱ این گام‌ها شامل پیدا کردن ایده، انتخاب ایده، تهیه طرح کلی نوشته، نگارش پیش‌نویس، بازنگری و ویرایش است. نویسندگان همه این گام‌ها را برمی‌دارند، اما به دلیل تمرین بسیار، این گام‌ها به صورت خودکار رخ می‌دهند. این گام‌ها در کتاب حاضر از یکدیگر مجزا شده و به تفکیک به همراه تمرین‌هایی کاربردی ارائه شده‌اند. البته این نکته قابل ذکر است که در گام اول از مثالی استفاده شده است که این مثال در گام‌های بعدی تکرار و تکمیل شده است و این شائبه را در خواننده به وجود می‌آورد که یک مطلب مکرراً در طول کتاب تکرار شده است. در نهایت در فصل آخر چند نمونه نگارش خلاق به همراه پیش‌نویس اول و دوم هر نمونه، ارائه داده شده است.

۱. ساختار اصلی این فصل برگرفته از کتاب گرنویل (۲۰۰۱) تحت عنوان «نگارش از ابتدا تا انتها» و همچنین از کتاب پها با عنوان «راهنمای استراتژی‌های معلم برای نگارش» (۲۰۰۳) است که از انگلیسی به فارسی ترجمه شده است.

فصل اول

مقدمه‌ای بر نگارش خلاق: تعریف، انواع آن

۱. مقدمه‌ای بر نگارش خلاق: تعریف و انواع آن

نگارش خلاق شکلی از بیان هنری است که از طریق تخیلات با استفاده از تصویرها و روایت‌ها رخ می‌دهد. نگارش تخیلی شامل شعر، داستان بلند و داستان کوتاه، نمایشنامه است و نگارش غیر تخیلی شامل اتو بیوگرافی^۱، بیوگرافی^۲، مقاله^۳، خاطرات روزانه^۴ و داستان‌های روزنامه است. بعضی مواقع تمایز میان ادبیات تخیلی و غیر تخیلی مشکل است. ادبیات تخیلی مرتبط با پیرنگ، صحنه و شخصیت‌هایی است که آفریده شده‌اند، در حالی که نگارش غیر تخیلی، داستان‌های واقعی هستند که از وقایع واقعی و مردم واقعی صحبت می‌کنند. اما تمایز بین این دو نوع نگارش بعضی مواقع مبهم است، چرا که اغلب با هم تداخل دارند (گرانٹ^۵، ۲۰۱۸).

از ادبیات تخیلی و غیر تخیلی می‌توان در فیلم، تلویزیون، نمایش و غیره استفاده کرد. در اینجا بر تفاوت این دو متمرکز می‌شویم. ادبیات تخیلی بر پایه تصورات نویسنده است، در حالی که بعضی مواقع صحنه‌ها، پیرنگ داستان و شخصیت‌ها بر اساس وقایع واقعی و مردم واقعی هستند. در ادبیات تخیلی از تکنیک‌های روایتی ویژه برای تقویت تأثیر داستان استفاده می‌شود (گرانٹ^۶، ۲۰۱۸).

^۱ . autobiography

^۲ . biography

^۳ . essay

^۴ . diary

^۵ . Grant, Matt

^۶ . Grant, Matt



جدول ۱. تفاوت ویژگی‌های ادبیات تخیلی با غیر تخیلی	
ادبیات غیر تخیلی	ادبیات تخیلی
ادبیات غیر تخیلی بر پایه واقعیت است.	ادبیات تخیلی حاصل تصورات نویسنده است.
اگر ساختگی باشد اعتبار خود را از دست می‌دهد.	اغلب بر اساس وقایع واقعی است.
عینی هستند.	ذهنی هستند.
زاویه دید نویسنده استفاده می‌شود	از زاویه دید متفاوتی می‌توان در این نوع ادبیات استفاده کرد.
بر وقایع بیرونی متمرکز می‌شود.	بر وقایع درونی متمرکز می‌شود.

در دایره المعارف بریتانیکا^۱، داستان‌های تخیلی از نظر طول به داستان بلند^۲، داستان کوتاه^۳ و داستانک^۴ تقسیم شده‌اند. با توجه به اینکه موضوع این کتاب نگارش تخیلی است، جای دارد که در این بخش به تعریف انواع آن و عناصر مرتبط به آن بپردازیم.

۱.۱. داستان بلند

داستان بلند یک روایت فصیح، با طول قابل توجه است (برگس^۵، ۲۰۱۸) که دارای پیچیدگی خاصی مرتبط با تجربیات تخیلی انسان‌ها است. داستان بلند را می‌توان هنر طرح‌ریزی از طریق کلمه دانست (همان، ۲۰۱۸). این نوع داستان شامل توالی وقایع مرتبط به هم در گروهی از مردم و در یک موقعیت خاص است.

^۱ . Encyclopedia Britannica

^۲ . novel

^۳ . short story

^۴ . novella

^۵ . Burgess, Anthony

داستان بلند دارای طیف گسترده‌ای از سبک‌ها است که به‌عنوان مثال می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- داستان‌هایی که قهرمان آن یک آدم رذل^۱ است،
- داستان‌هایی که در غالب نامه‌نگاری^۲ ارائه می‌شوند،
- داستان‌هایی که به سبک گوتیک^۳ هستند،
- داستان‌هایی که به سبک عاشقانه نوشته می‌شوند،
- داستان‌هایی که سبک واقعیت گرایانه دارند،
- و داستان‌هایی که به سبک تاریخی هستند.

عناصر برجسته داستانی که نقش محوری در ایجاد داستان دارند عبارت‌اند از: شخصیت، زاویه دید، صحنه و صحنه‌پردازی، پیرنگ، لحن، درون‌مایه و حقیقت‌مانندی که محور فکری حاکم، بر داستان‌ها اعم از داستان کوتاه و بلند را بیان می‌کند (برگس، ۲۰۱۸)، به همین دلیل جای دارد که در این بخش به شرح این عناصر پرداخت.

۱.۱.۱. شخصیت

شخصیت و قهرمان، به افرادی گفته می‌شود که در ذهن نویسنده آفریده و در فضای داستان هستند، به عبارت دیگر، حوادث و ماجرای هر داستانی را، گروهی از افراد پیش می‌برند که شخصیت داستان نامیده می‌شوند (خان محمدی، ۱۳۸۸).

^۱ . picaresque

^۲ . epistolary

^۳ . Gothic

«مهم‌ترین عنصر منتقل‌کننده تم داستان و عامل مهم طرح داستان، شخصیت داستانی است» (یونسی، ۱۳۸۶).

شخصیت‌ها، در داستان، گاه به صورت نمایشی و گاه به صورت گزارشی، به خواننده معرفی می‌شوند. اگر شخصیت‌ها از زبان راوی شناسانده شوند شیوه نگارش «گزلویشی» است. اما اگر در خلال داستان، از طریق گفتگو، حرکات و رفتار شناسانده شوند، شیوه نگارش «نمایشی» است (عبداللهیان، ۱۳۸۱).

۲.۱.۱. طرح یا پیرنگ^۱

«پیرنگ» تلفیقی از دو کلمه پی و رنگ است. «پی»، به معنای شالوده و پایه است و «رنگ» به معنای طرح و نقش، بنابراین «پیرنگ» به معنای «بنیاد نقش» و «شالوده طرح» است (میر صادقی، ۱۳۸۸). از نظر فورستر (۱۳۶۹) پیرنگ «طرح نقل حوادث است با تکیه بر موجییت و روابط علت و معلول» است. این تعریف دو مؤلفه اصلی را دربر دارد که شامل تسلسل حوادث و علیت است. به این معنا که حوادث و رویدادهای داستانی به دنبال هم می‌آیند و باهم رابطه علی و معلولی دارند. پیرنگ، «وابستگی موجود میان حوادث را به طور عقلانی تنظیم می‌کند.» (میر صادقی، ۱۳۸۸). از تقابل شخصیت‌ها در پیرنگ داستان «کشمکش» به وجود می‌آید. کشمکش درواقع، حاصل برخورد شخصیت یا شخصیت‌های اصلی داستان، با کنش‌های مخالف است. کشمکش انواع مختلفی دارد، درواقع کشمکش می‌تواند جسمانی، عاطفی، ذهنی و یا عاطفی باشد (میر صادقی، ۱۳۶۵).

^۱ . plot

«گره افکنی» گاهی به صورت ناگهانی ظاهر شده و راه و روش هایی را که وجود دارد، تغییر می دهد. پس از گره افکنی «حالت تعلیق» با گسترش پیرنگ و ایجاد حس کنجکاوی در خواننده به وجود می آید. درواقع خواننده با شخصیت اصلی همراهی می کند و به سرنوشت او علاقه مند می شود و نسبت به پایان کار در حالت دل نگرانی می ماند. مورد دیگر «بحران» است، لحظه ای که نیروهای متقابل باهم تلاقی می کنند. بحران باعث می شود داستان به اوج خود رسیده و پس از رسیدن به نهایت خود، گره گشایی ایجاد می شود. گره گشایی نتیجه نهایی از مجموعه ای حوادث است (گل پرور و صمصام، ۱۳۹۲).

۱.۱.۳. زاویه دید^۱

زاویه دید به معنای شیوه نقل داستان است. نویسنده به وسیله زاویه دید مطالب داستان را به خواننده ارائه کرده و رابطه نویسنده با داستان مشخص می کند (میر صادقی، ۱۳۷۶). دو شیوه برای گفتن داستان وجود دارد که شامل شیوه سوم شخص مفرد و شیوه اول شخص مفرد است. در شیوه سوم شخص، نویسنده خود را بیرون از داستان قرار داده و اتفاقاتی را که بر اشخاص داستان می گذرد، می گوید. در شیوه اول شخص مفرد، نویسنده یکی از شخصیت های داستان است و وقایع داستان را به صورتی که خودش ناظر است و در آن شرکت می کند، برای خواننده بیان می کند (یونسی، ۱۳۸۶).

^۱ . point of view

۴.۱.۱. صحنه و صحنه‌پردازی^۱

زمان و محل وقوع داستان، صحنه داستان نامیده می‌شود. درواقع منظور از صحنه، زمینه و موقعیت مکانی و زمانی است که شخصیت‌های داستان، نقش خود را در آن بازی می‌کنند (مستور، ۱۳۷۹). محیط از طریق سه روش در داستان منتقل می‌شود، روش اول وصف مستقیم و ساده محیطی است که اکسیون در آن اتفاق می‌افتد. روش دوم توصیف آمیخته با گفت‌وگو است و روش سوم توصیف از طریق گفتگو است (یونسی، ۱۳۸۶). در صورتی که نویسنده صحنه داستان خود را با استفاده از هر سه روش بیان کند، گیرایی اثرش بیشتر خواهد شد (میر صادقی، ۱۳۸۸). همچنین باید توجه کرد که در محیط‌های وهم‌آلود و ترسناک، یا فضای نامناسب اخلاقی کنش شخصیت‌ها تغییر می‌کند (گل پرور و صمصام، ۱۳۹۲).

۵.۱.۱. درون‌مایه^۲

درون‌مایه، فکر اصلی و مسلط در هر داستان است، که جهت فکری و ادراکی نویسنده را نشان می‌دهد (میر صادقی، ۱۳۸۸). «موضوع» یک اندیشه زیربنایی است که با توجه به مناسبات ملموس و وقایع داستان توصیف می‌شود، اما «درون‌مایه» دارای بیانی انتزاعی است (انوشه، ۱۳۷۶). موضوع، در یک کلمه قابل بیان است به عنوان مثال خشونت، انتقام، مرگ و تمام اندیشه‌های اساسی انسانی در باره زندگی. درون‌مایه در یک جمله خلاصه می‌شود و در واقع نگاه نویسنده به

۱. setting

۲. theme

یک موضوع است. به همین دلیل است که به تعداد نویسندگان در بارهٔ یک موضوع خاص، درون مایه وجود دارد، چرا که درون مایه در واقع، دریافت و تجربه شخصی نویسنده به یک موضوع است (مستور، ۱۳۷۹).

۱.۱.۶. لحن^۱

در داستان‌نویسی منظور از لحن داستان، طرز برخورد نویسنده نسبت به موضوع داستان است (داد، ۱۳۸۵). لحن «شگردهایی است که داستان‌نویس به کار می‌برد تا در داستانش حال و هوای خاصی پدید آورد، به مثل حال و هوای تراژیک یا کمیک یا رمانتیک. عنصری که در شکل دادن به لحن نقش تعیین‌کننده‌ای دارد، زبان نوشتاری است» (ایرانی، ۱۳۸۰).

لحن در داستان می‌تواند خنده‌دار، غم‌انگیز، نگران، بی‌تفاوت، صمیمی و یا موقرانه باشد. لحن و فضا در داستان خیلی به هم نزدیک هستند. به همین دلیل است که متناسب با فضای داستان و تفکر شخصیت‌ها لحن داستان انتخاب می‌شود. لحن درواقع ایجاد فضا با استفاده از کلام است. ما شخصیت‌ها را از طریق لحن آن‌ها می‌شناسیم و با آن‌ها ارتباط برقرار می‌کنیم. به همین دلیل، لحن مفهومی نزدیک به سبک دارد. لحن داستان با همه عناصر سبک که شامل زبان (واژگان، نحو)، معنی‌شناسی و موسیقی است، سروکار دارد. نویسنده از تمام این موارد برای ایجاد لحن در داستان استفاده می‌کند.» (میر صادقی، ۱۳۸۸).

^۱ . tone

۲.۱. داستان کوتاه

داستان کوتاه، یک نوشته تخیلی است که کوتاه‌تر از داستان بلند است و معمولاً چند شخصیت محدود دارد. در داستان کوتاه، طرح پیچیده‌ای مانند آنچه در داستان بلند است، وجود ندارد و درواقع یک روایت مختصر است (هنسون^۱، ۲۰۱۸). داستان کوتاه نوین، در قرن نوزدهم در آلمان، امریکا، فرانسه و روسیه شکل گرفت و اولین فردی که با دقت به بررسی آن پرداخت ادگار آلن پو^۲ است. ادگار آلن پو نه تنها به نگارش داستان‌های کوتاه می‌پرداخت، بلکه از نظر تئوری هم به این نوع داستان پرداخته و آن را یک نوع ادبی دانسته است.

مشهورترین نویسندگان اروپایی و آمریکایی عبارت هستند از کی دو مو پاسان^۳، آنتوان چخوف^۴، کاترین منسفیلد^۵، شرود اندرسن^۶، او هنری^۷، ارنست همینگوی^۸، کنراد^۹، کیپلینگ^{۱۰} و سالیانجر^{۱۱}.

از داستان‌های مشهور کوتاه در ایران در قرون وسطی می‌توان به داستان‌های کوتاه شاهنامه همچون «ضحاک» و «بیزن و منیژه» اشاره کرد. ازجمله نخستین داستان‌های کوتاه نوین در ایران «یکی بود، یکی نبود» اثر محمدعلی جمال‌زاده است که در سال ۱۳۰۰ منتشر شد. پس از جمال‌زاده می‌توان از نویسندگانی مانند

^۱ . Hanson, Arlen

^۲ . Edgar Allan Poe

^۳ . Guy de Maupassant

^۴ . Anton Chekhov

^۵ . Katherine Mansfield

^۶ . Sherwood Anderson

^۷ . O. Henry

^۸ . Ernest Hemingway

^۹ . Joseph Conrad

^{۱۰} . Rudyard Kipling

^{۱۱} . J. D. Salinger

صادق هدایت، بزرگ علوی، صادق چوبک، جلال آل احمد نام برد (سعیدی، محمدی بدر، ۱۳۹۳).

طول داستان کوتاه در کشورهای مختلف متفاوت است به عنوان مثال در کشور آمریکا داستان کوتاه می تواند بیشتر از ۱۰۰۰۰ کلمه باشد، در حالی که در بریتانیا تعداد کلمات داستان های کوتاه حدود ۵۰۰۰۰ کلمه است و در کشور استرالیا این امکان وجود دارد که داستان کوتاه بیش از ۳۵۰۰ کلمه داشته باشد. از طرفی از نظر ادگار آلن پو داستانی کوتاه است که خواننده حداکثر طی دو ساعت بتواند آن را خوانده و به پایان برساند (همان).

۳.۱. داستانک

داستانک (داستان کوتاه کوتاه)، روایت کوتاه و ساختاریافته ای است که اغلب دارای لحنی^۱ واقعی و هزلی^۲ است (مؤذنی، زرگر زاده دزفولی، ۱۳۹۶). داستانک در دوره قرون وسطی در ایتالیا ظهور کرد و بر اساس وقایع محلی که طنزآمیز، سیاسی یا عشق در طبیعت بودند، ظهور کرد^۳. این گونه داستان، کوتاه تر از داستان کوتاه است و از پانصد کلمه کمتر و از هزار و پانصد کلمه بیشتر نمی باشد. داستانک همه عناصر داستان کوتاه را دارد البته، این عناصر با ایجاز و اختصار همراه هستند. داستانک اغلب لطیفه گسترش یافته و استادانه ای است که پایانی تکان دهنده و غافلگیرکننده دارد.

^۱ . tone

^۲ . satiric

^۳ . Encyclopedia Britannica



با توجه به اینکه داستانک دارای کلمات محدودی است، امکان ارائه سه نمونه از داستانک در این بخش فراهم است. این داستانک‌ها شامل داستانک «قدرت بخشش»، «سنجش عملکرد» است و داستانک سوم تحت عنوان «خاطرات من» که توسط نویسنده از انگلیسی به فارسی ترجمه شده است.

۱.۳.۱. قدرت بخشش^۱

« بانوی خردمندی در کوهستان سفر می‌کرد که سنگ گران‌قیمتی را در جوی آبی پیدا کرد. روز بعد به مسافری رسید که گرسنه بود. بانوی خردمند کیفش را باز کرد تا در غذایش با مسافر شریک شود. مسافر گرسنه، سنگ قیمتی را در کیف بانوی خردمند دید، از آن خوشش آمد و از او خواست که آن سنگ را به او بدهد. زن خردمند هم بی‌درنگ، سنگ را به او داد. مسافر بسیار شادمان شد و از این‌که شانس به او روی کرده بود، از خوشحالی سر از پا نمی‌شناخت. او می‌دانست که جواهر به‌قدری باارزش است که تا آخر عمر می‌تواند راحت زندگی کند، ولی چند روز بعد، مرد مسافر به راه افتاد تا هرچه زودتر، بانوی خردمند را پیدا کند. هنگامی که او را یافت، سنگ را پس داد و گفت: «خیلی فکر کردم. می‌دانم این سنگ چقدر باارزش است، اما آن را به تو پس می‌دهم با این امید که چیزی ارزشمندتر از آن به من بدهی. اگر می‌توانی، آن محبتی را به من بده که به تو قدرت داد این سنگ را به من ببخشی...»

^۱ . <http://www.peyvandha.blogfa.com/1390/02>

۱،۳،۲. سنجش عملکرد^۱

«پسر کوچکی وارد داروخانه شد و کارتن کوچکی را به سمت تلفن هل داد. روی کارتن رفت تا دستش به دکمه‌های تلفن برسد و شروع کرد به گرفتن شماره‌ای هفت‌رقمی. مسئول داروخانه متوجه پسر بود و به مکالماتش گوش می‌داد. پسرک پرسید، «خانم، می‌توانم خواهش کنم کوتاه کردن چمن‌ها را به من بسپارید؟» زن پاسخ داد: «کسی هست که این کار را برایم انجام می‌دهد.» پسرک گفت: «خانم، من این کار را نصف قیمتی که او می‌گیرد انجام خواهم داد». زن در جوابش گفت که از کار این فرد کاملاً راضی است. پسرک بیشتر اصرار کرد و پیشنهاد داد، «خانم، من پیاده‌رو و جدول جلوی خانه را هم برایتان جارو می‌کنم، در این صورت شما در یکشنبه زیباترین چمن را در کل شهر خواهید داشت.» مجدداً زن پاسخش منفی بود. پسرک درحالی که لبخندی بر لب داشت، گوشی را گذاشت. مسئول داروخانه که به صحبت‌های او گوش داده بود به سمتش رفت و گفت: «پسر از رفتارت خوشم آمد؛ به خاطر اینکه روحیه خاص و خوبی داری، دوست دارم کاری بهت بدم». پسر جوان جواب داد که «نه ممنون، من فقط داشتم عملکردم خودم را می‌سنجیدم، من همون کسی هستم که برای این خانوم کار می‌کنه».

^۱. <https://www.goodreads.com/topic/show/38880>

۳،۳،۱. خاطرات من^۱

املیا هیل^۲

شجاع‌ترین کاری که تا به حال کرده‌ام، ادامه دادن به زندگی بوده است، درحالی که آرزو می‌کردم بمیرم.

یادم می‌آید که به سالن ژیمناستیک رفتم. وقتی رسیدم، مربی و هم‌تیمی‌هایم به من خیره شده بودند. موهایم پریشان بود و آرایشم به هم ریخته. آب بینی ام هم راه افتاده بود. مربی به من اخم کرده بود، می‌دانستم یک روز سخت در پیش دارم. حس کردم چشمانم خیس شده است. سرم را پایین انداختم که اشک‌هایم دیده نشود. قطره‌های اشک روی گونه‌هایم روان شده بود، قطره‌هایی داغ و غمگین. بینی ام را بالا کشیدم و شروع به کشش عضلاتم کردم. با خودم فکر می‌کردم که چطور زندگی شاد و مطمئنم تغییر کرد و این چنین ناامید و بدبخت شدم. فقط در طی چند هفته زندگی ام تغییر کرده بود و تنها یک کلمه گویای این بیچارگی بود: «قلدری».

سال ۲۰۱۵ بود. یادم می‌آید اولین روز دبیرستان، هیجان‌زده بودم و قبل از اینکه زنگ ساعت زده شود، از رختخواب بیرون پریدم، اما حیف که خیلی زود این شور و شوق برای رفتن به مدرسه متوقف شد. آخر ترم دوم که متوجه شدم، آن‌هایی که دوست خود می‌دانستم زبان به تحقیر من گشودند. شایعاتی در مورد من پخش کرده و من را از گروه خود حذف کرده بودند. ابتداء فکر می‌کردم این یک مرحله گذرا بین نوجوانان است ولی شنیدن حرف‌های آزاردهنده ادامه یافت. در آن روزها

^۱ . Memoire

^۲ . Amelia Hill



به خانه می‌رفتم و به والدینم می‌گفتم مدرسه خارق‌العاده است، بعد دوش می‌گرفتم و با صدای بلند گریه می‌کردم. آن قدر گریه می‌کردم که دیگر اشکی باقی نمی‌ماند.

هر روز به یکی از تیغ‌هایم نگاه می‌کردم و از خود می‌پرسیدم که «با آن چکار کنم؟» حس می‌کردم صدمه زدن به خودم تنها راهی است که دردم را متوقف می‌کند. ولی پشیمان می‌شدم، همیشه تیغ را سر جایش می‌گذاشتم و دور می‌شدم. وانمود می‌کردم که هیچ چیز ناراحت‌کننده‌ای وجود ندارد، درحالی که در واقعیت مطرود شده بودم و کسی من را نمی‌خواست. هرروز صبح از خواب بیدار می‌شدم و یک لب‌خند مصنوعی روی صورتم نقاشی می‌کردم. فکر می‌کردم این کار خیلی راحت تر از آن است که بدبختی خود را برای کسی شرح دهم. افکار منفی در ذهنم انباشته شده بود. با خود می‌گفتم «تو به اندازه کافی خوب نیستی» و یا «تو در زندگی به هیچ جا نمی‌رسی». حس می‌کردم که زندگی ام از کنترل خارج شده است.

اگر یکی از دانش آموزان، مشاور مدرسه را از وضعیت من آگاه نکرده بود، هنوز افسرده و تنها بودم و حس می‌کردم به هیچ دردی نمی‌خورم. اما مشاور مدرسه به کمک آمد و من را از خواب بیدار کرد. با راهنمایی او روشنایی را در تاریکی زندگی‌ام پیدا کردم. هیچ وقت آن سال را فراموش نمی‌کنم. نمی‌خواهم کسی به اندازه من زجر بکشد و احساس تنهایی و پوچی بکند، به همین دلیل به همه آن‌هایی که مانند من نیاز به پیدا کردن روشنایی در زندگی خود دارند، کمک می‌کنم.